



آسمانی در راه است: آسمانی پر از فرشته، پر از روشنی، پر از زیبایی. می‌اید. او که نوید صداقت است. صداقتی که دیگر در جهان نیست، صداقتی که سالیان سال است در تراکم ابرهای دروغ نمی‌تواند نفس کند. صداقت، مرده است و دفترهای منظیر از مشق‌های صادقانه انتظار اکنده است. این انتظار تا به کی ادامه خواهد یافت؟ آمدن او، آمدن لحظه‌های شاد است، لحظه‌های شاد با او بودن. با او خواندن و با او سروdon. چه لحظه زیبایی، مثل گشوده شدن پنجه‌های رو به زیباترین تصویرها، مثل طلوع خورشید در یک روز سرد زمستانی که زمین اخما کرده است، مثل شکفتمن غنیجای کوچک در کوپیر، آن لحظه لحظه آمدن اوست. آن لحظه را آیا من هم خواهم دید؟ مثل تمام منتظران امیدوارم!

دل گرفته است، و این یک دل گرفتگی معمولی نیست: از غم اوست، آخر غم او معمولی نیست. غم دوری او، غم ندیدن او که در این حوالی است. در این حوالی خالی از حضور انسان.

دبیل او می‌گردم، بیوسته دنبال او می‌گردم؛ دنبال رد پایی از او، او که آمدنش بزرگ‌ترین آرزوی دنیا شده است؛ آرزوی هر کس که دوست دارد دنیا پر از صلح و صفا باشد. پر از آرامش، پر از حضور او.

آها امروز هم نیامدی! امروز هم دنیا از حضورت خالی بود. امروز هم پرنده‌های غمگین در انتظارت بودند؛ انتظار آسمانی که در راه است؛ آسمانی به سیک لحظه‌های بارانی؛ لحظه‌های بارانی پر از هیاهو؛ هیاهوی قطره‌هایی که رویش را نوید می‌دهند؛ رویشی که دستان آسمان آن را خواسته است.

۱۲

آه از این کوکرها

100

خیابان‌ها می‌گذرند  
کوچه‌ها می‌گذرند

و درختان نفس کشیده در باد  
کسی صدای مرا نخواهد شنید

و فریادهای مرده باد را

(۳)	تکمیلی می گذرد
سکوت تازه‌ای	توبوس می نیز
اتاقم را بیمار کرده است	و دل من نیز
پرندۀ‌ای نیست	(۲)
صدایی نیست	دلتنگ که می شوم
تلها دلخوشی ام	دل را بزرگ می کنم
باران بشت بینجه است	دل بزرگ می شود
آه از این کرکره‌ها	دل را وسعت می بخشم
آه از این کرکره‌ها	به وسعت تمام چراغ‌های شهر
	بکنگار به جای تو هم دلتانگ شوم

(4)

مشتق شده ماه از چین، در شب قدر  
خورشید به خون نشسته بین در شب قدر  
زخم است به سر گرفته جای قرآن  
تقدیر علی است این چین در شب قدر!

یک دل، دل حسنه و نبا، اوردم  
من توشه راه، اشتباه اوردم

من سوخته هرم گناهم، از لطف  
در سایه رحمت پناهم بدھی

ای دوست از این عهد گمیستن، توبه!  
در حالیه هوس نشستن توبه!  
هر مرتبه توبه‌ای شکستم، این بار  
صد مرتبه از توبه شکستم، توبه!